(تاج المصادر بیهقی) . تتبع . اتباع .
(منتهی الارب) . تشیل. (تاج المصادر بیهقی) .

باقی . (. . . دماوندی) . (اِ خ) .
از شعرای ایران و اهل دماوند بوده است .
ازاوست :

نخست آن سنگدل با بی‌دلان آمیختن گیرد
چو وصلت درمیان پیداشود خون ریختن گیرد.
(ازقاموس الاعلام ترکی ج ۲ ص ۱۲۰۴) .

باقی . (سید باقی‌بن عطوة الحسینی العلوی) .
(اِ خ) صاحب کشف الغمة روایت کند که حکایت کرد بمن سید باقی‌بن عطوة العلوی الحسینی، که پدرم عطوة دریکی ازاعضای خودمرضی داشت و اوبرمذهب زیدیه بود و میگفت که من تصدیق اقوال شما نمی نمایم تا وقتیکه بیاید صاحب شمایعنی مهدی ومرا ازین مرض نجات دهد، واین سخن بکرات ازپدرم صادر شده ، شبی دروقت نمازخفتن آواز صیحه و استغاثهٔ اوبگوش رسید، برسبیل عجله خودرا بهوی رسانیدم چون مارا دید گفت «الحقوا لصاحبکم ، فالساعة خرج من عندی » . . . عضومجروح مرا بیفشرد وبرفت ومن دست بآن موضع رسانیدم، ازمرض اثرندیدم .سید باقی گوید بعدازآن پدرم درضمان صحت بود واین حکایت سمت اشتهار یافت . (حبیب ـ السیرچاپ خیام ج ۲ ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

باقی . (عبد الباقی) (اِ خ) .
شاعری بوده است ایرانی وخوش طبع ، از اولاد شاه نعمت الله ولی و از مقربین شاه اسمعیل‌صفوی ودر اواخر قرن دهم ﻫ . در جنگهای مابین ایران و ترکیه مقتول شد . (ریحانة‌الادب ج ۱ ص ۱۳۷) .

اسمش میرعبدالباقی بود ، . . . ممدوح ملاامیدی طهرانی ودرزمان حضرت صاحبقران بشغل صدارت درمنصب ایالت سرافراز بود. درجنگ چالدران که در میان شاه اسمعیل صفوی وسلطان سلیم عثمانی واقع شد به‌درجهٔ شهادت رسید . (ازآتشکدهٔ آذرمصحح دکتر شهیدی ص ۱۲۲) .

نتوان صریح باتو غم خویش گفت وتو
طفلی هنوز وفهم کنایت نمی کنی .

❀❀❀

ساقی مطلب جانب میخانه‌ام امروز
کز خون جگر پرشده پیمانه‌ام امروز.
مسکن شده کوچهٔ ملامت ما را
ره نیست به‌وادی سلامت مارا
درویشانیم و ترک عالم کرده
این است طریق تاقیامت مارا.

اصفهان را میبرده ، چندی بوزارت کرمانشاهان ولرستان وعربستان(خوزستان) پرداخته است . (مجمع الفصحاء ج ۲ ـ ص ۸۲). ازاوست :

شب هجرست ومراقبه درازست امشب
وای برآنکه مرا محرم رازست امشب .

❀❀❀

زگلبن‌تونباشدگلی هوس ما را
همینکه‌غیرنچیندگل توبس‌مارا.

باقی . (اِ خ) عبدالباقی‌صوفی تبریزی .
(دانشمندان آذربایجان ص ۱۴۴) .
از فضلای زمان خود و در نگارش خط ثلث مسلم بود ، . . . با شاه عباس‌صفوی معاشروددروقت بنیاد مسجد جامع جدیدعباسی شاه مغفوربجهت نوشتن کتابهٔ مسجد اورا از بغداد باصفهان طلبید ، سید بسبب استغنای ذاتی قبول ننمود ، ساکن بغداد و از عالم آزاد بود، بعد ازگرفتن‌بغداد اورا باصفهان آوردند وکتابهٔ مسجد را نوشت. ازاوست :

ای قدم ننهاده هرگز ازدل تنگم برون
حیرتی‌دارم که چون درهردلی‌جاکرده‌ای.

❀❀❀

محنت‌کش روزگارخویشم چکنم
در ماندهٔ اضطرار خویشم چکنم
دور است زجبر اختیارم اما
مجبوربه اختیارخویشم‌چکنم.

❀❀❀

درکوی جهان چنگ هوس ساز مکن
خود بینی وخود فروشی آغازمکن
گرکام دلت نشد میسر مستیز
از بهر نیازآمدی ، ناز مکن .
(ازتذکرهٔ ریاض‌العارفین‌ص ۱۷۴) .
ورجوع به قاموس‌الاعلام ترکی ج ۲ ص ـ ۱۲۰۴ شود .

باقی فاضل کردن . [ضِ‌لْ کَ دَ] (مص ـ مرکب) . تفریق کردن در اصطلاح سیاق . (یادداشت‌بخط مؤلف). جمع وخرج کردن . منها کردن . موضوع کردن .کسر کردن . تفریغ‌حساب.

باقی . (. . کاشانی) (اِخ) . اصلش از مردم کاشان بود ،دیوانش ملاحظه شده.بسعی بسیاراین بیت از دیوانش استخراج گردید :

باقی‌چمنی‌نیست چوگلزار محبت
خاری که‌ازآن‌گل بتوان چید ندارد.
(آتشکدهٔ آذرص ۲۴۱) .

باقی‌گذاشتن . [گُ تَ](مص‌مرکب).
بجا ماندن وبرقرار گذاشتن‌چیزی را .(ناظم‌ـ الاطباء) . برجای‌نهادن .

آنجا که‌یکی مصلحت خداوند سلطان باشد
درآن بندگان دولت‌راهیچ‌چیز‌باقی نماند .
(ابوالفضل بیهقی ص۲۶۹ چاپ‌ادیب) .

از جمالش ذره‌ای باقی نماند
آن قدح بشکست‌وآن‌ساقی‌نماند.
عطار .

چراغراکه چراغی ازاوفرا گیرند
فرو نشیند و باقی بماند انوارش .
سعدی .

||ثابت و برقرار ماندن . (ناظم‌الاطباء) . بقاء . غبور . (ترجمان القرآن).(تاج ـ المصادر بیهقی) . لفاء [لَ] . (اقرب الموارد):

بمجلس گرمی وساقی نماند
چو باقی ماند او باقی نماند .
نظامی .

عاریت باقی نماند عاقبت . مولوی .
||در عقب ماندن . (ناظم‌الاطباء) . بازپس ماندن . بجای ماندن .

باقی مانده . [دَ یا دِ] (ص مرکب) .
تتمه . باز مانده . (ناظم الاطباء) . نثیلة (منتهی الارب) . پس مانده . (آنندراج) . مانده. (لغات‌فرهنگستان). حاصل.(دهار) ؛ ذمامة، عقبة ، باقیماندهٔ چیزی . (منتهی‌ـ الارب) . قشامة ، باقیمانده برخوان . (منتهی الارب) . غنشوش ، باقیمانده از مال . (منتهی الارب) . عبقول، عبقولة ، باقیماندهٔ بیماری . (منتهی الارب) .قصملة، باقیماندهٔ آب وامثال‌آن . (منتهی‌الارب) . قوس، باقیماندهٔ خرمادرتک خنور. (منتهی‌ـ الارب) . مظعة ، باقیماندهٔ سخن. (منتهی‌ـ الارب) . || حاصل‌کم‌کردن عددی‌کوچک ازعددی‌بزرگتر.تفاضل.بازمانده.باقیمانده‌در تفریق‌که یکی‌ازچهارعمل اصلی است، عدد بزرگ‌که ازآن چیزی کاسته می‌شودمفروق‌ـ منه وعددکوچکتر که‌ازعدد بزرگ کم‌میشود مفروق نام دارد ورقمی‌که ازتفاضل‌آن دو بدست‌آید باقیمانده خوانده میشود .
|| وارث . پس مانده . در عقب مانده . (ناظم‌الاطباء) . فرزندکه ازپس مرگ‌کسی بماند . بازمانده .

باقی‌مانده . [نَ دَ یا دِ] (ن ف) .
که برجای ماند. بازمانده . بازمان.(لغات‌ـ مصوبهٔ فرهنگستان) .

باقی . (. . . ماوراء النهری) (اِخ) .
از شعرای پارسی‌زبان اهل‌ماوراء النهربوده . از اوست :

Abdulbâki Tebrizî
Dihhuda, lugatname, c.(٤٤ب ـ بابک) s. 509, 1970 (Tahran)

Encyclopaedia Iranica, c. 1 (s. 1) s. 105, 1982 (LONDON)
401.a Abdülbaki Tebrizi, Mir (v. 1039/1629) İSS

phers, physicians, military officers, and other celebrities.

For the history of India up to Akbar's reign, ʿAbd-al-Bāqī drew extensively upon Neẓām-al-dīn's *Ṭabaqāt-e Akbarī*, which he frequently reproduced verbatim. The account of the contemporary period, on the other hand, though replete with praise of Kānkānān, provides a valuable record of events which transpired in the author's lifetime; the biographical notices also are of enduring historical interest.

ʿAbd-al-Bāqī was *amīn* of the Deccan and Berar until 1619, and thereafter was appointed *dīvān* of Bihar by the emperor Jahāngīr's son Parvēz. The date of ʿAbd-al-Bāqī's death, mentioned by Moʿtamad Khan in *Tārīk-e Moḥammadī* (ms., B.M. Or. 1824, fol. 170b), is 1042/1632. This was disputed by W. Ivanov, who observed that in the A.S.B. copy of *Maʾāṯer-e Raḥīmī* a note, probably in ʿAbd-al-Bāqī's own hand, states that the entire work had been checked and collated by him in 1046/1637 (*Cat. A.S.B.*, p. 140). Yet the printed text of *Maʾāṯer-e Raḥīmī*, based on the same A.S.B. manuscript, states that the author's note concerning collation was made by him in 1026/1617 and supplemented by a further brief note in 1031/122 (III, pp. 1698-99). It seems likely, therefore, that ʿAbd-al-Bāqī died in 1042/1632.

Bibliography: ʿAbd-al-Bāqī Nahāvandī, *Maʾāṯer-e Raḥīmī*, ed. M. Hedāyat Ḥosayn, 3 vols., Calcutta, 1910-31. Bindraban Das "Košgū," *Safīna-ye Košgū*, ms. Bodleian 376, no. 650. Elliot, *History of India* VI, pp. 237-43. Storey, I, pp. 553, 1315.

(HAMEED UD-DIN)

ʿABD-AL-BĀQĪ TABRĪZĪ, MĪR, called DĀNEŠMAND, religious scholar and notable of Azerbaijan (d. 1039/1629-30). He was learned in philosophy and mathematics and skilled in Arabic poetry. He also wrote good Persian poetry, using the pen name (*takalloṣ*) Bāqī, and was expert in the calligraphic styles called *ṯolṯ*, *nask*, and *nastaʿlīq*. His youth was passed in Tabrīz, where he benefited from the presence of the famous calligrapher ʿAlā Beg Tabrīzī. Then he set out for Baghdad and undertook to perfect his artistry under Dede Moṣṭafā, the chief calligrapher of Baghdad. He attained great fame, and the news of his excellence reached the ears of Shah ʿAbbās I. When the shah was building the Masjed-e Šāh, he sent Moḥammad Ḥosayn Čelebī to Baghdad to invite ʿAbd-al-Bāqī to Isfahan to execute the inscriptions. Mīr ʿAbd-al-Bāqī did not accept, but shortly thereafter Shah ʿAbbās gained control of Baghdad and brought the Mīr to Isfahan, where he was put in charge of executing the calligraphic inscriptions for the Shah Mosque. These inscriptions still exist in various parts of the mosque and have the signature of Mīr ʿAbd-al-Bāqī (Tarbīat, *Dānešmandān*, pp. 144-46; ʿAbd-al-Moḥammad Ērānī, *Kaṭṭ va kaṭṭaṭān*, Cairo, 1345/1926-27, pp. 90-187; Nūr-al-Ḥasan, *Negārestān-e sokan*, Calcutta, 1293/1876, p. 16; Loṭfallāh Honarfar, *Esfahān*, pp. 401, 434, 438, 439, 449, 451).

According to Aḥmad Rāzī (*Haft eqlīm* III, p. 243), Mīr ʿAbd-al-Bāqī went to India in the service of Mawlānā Mīrzā Jān and served the Kān-e Kānān until 1005/1596-97. The author of *Maʾāṯer-e Raḥīmī* states that this journey was made on the invitation of ʿAbd-al-Amīn Khan, known as Kān-e Kānān (*Dānešmandān-e Āẕarbāyjān*, p. 145). ʿA. Kayyāmpūr believes this Mīr ʿAbd-al-Bāqī to be a different person from Dānešmand (*Sokanvarān*, p. 374). However, the *Maʾāṯer-e Raḥīmī* entry "ʿAbd-al-Bāqī Tabrīzī" suggests that it is possible that Mīr ʿAbd-al-Bāqī was first in Tabrīz in the first decade of the 11th century A.H., then went to India in the second decade; in the third decade he returned to Baghdad and went to Isfahan with Shah ʿAbbās and worked on the calligraphic inscriptions of the Shah Mosque. Numerous examples of the Mīr's poetry are mentioned in the *taḏkeras* (*Sokanvarān*, "Bāqī Tabrīzī," p. 77). Several other works also have been attributed to him, among them the *Menhāj al-velāya dar šarḥ-e nahj al-balāḡa* (Dehkodā, *Loḡatnāma*, s.v. "ʿAbd-al-Bāqī").

Bibliography: Given in the text.

(ʿABD-AL-ʿALĪ KĀRANG)

ʿABD-AL-BĀQĪ YAZDĪ, Safavid official and poet skilled in calligraphy, killed at the battle of Čālderān in Rajab, 920/August, 1514. He was a descendant of the founder of the Neʿmatallāhī order, Nūr-al-dīn Neʿmatallāh (q.v.; 730-834/1330-1431). He has been called the son of Naʿīm-al-dīn Neʿmatallāh Ṯānī, but a different line of descent from Nūr-al-dīn was suggested by Ī. Afšār (*Yādgārhā-ye Yazd*, Tehran, 1348 Š./1969, 1, pp. 412-15; cf. J. Aubin, "Etudes Safavides I. Šāh Ismāʿīl et les notables de l'Iraq persan," *JESHO* 2, 1959, pp. 39-40).

Little is known of ʿAbd-al-Bāqī's life, which apparently was spent largely in the vicinity of Yazd. He succeeded Neʿmatallāh Ṯānī as spiritual and administrative leader of the order in the early 10th/16th century (Bāfqī, *Jāmeʿ-e Mofīdī*, ed. Ī. Afšār, Tehran, 1340 Š./1961, III, pp. 54-56; Aubin, op. cit., pp. 39-40). He thus commanded wealth and prestige such that Shah Esmāʿīl must have been induced to seek his acquaintance: Kᵛāndamīr mentions that ʿAbd-al-Bāqī participated in celebrations at Shah Esmāʿīl's camp in the spring of 916-17/1511 (*Ḥabīb al-sīar* [Tehran] IV, p. 517). ʿAbd-al-Bāqī was appointed a *ṣadr* under Yār Aḥmad Kūzānī (Najm al-Ṯānī) in Ḏuʾl-ḥejja, 917/February-March, 1512; and after the latter was killed on campaign against the Uzbeks in Ramażān, 918/November, 1512, he was appointed *vakīl* (ibid., IV, pp. 533-34; R. M. Savory, "The Principal Offices of the Safawid State During the Reign of Ismāʿīl I (907-30/1501-24)," *BSOAS* 23, 1960, pp. 96-97). He thus held the highest civil and military office in the Safavid state until his death at

Abdülbaki-i Tebrizî

2194 – عبد الباقي التبريزي البغدادي المفسر الصوفي المولوي الشاعر الخطاط المتخلص بدانشمند وأيضا بباقي – المعاصر لشاه عباس الأوّل – المتوفى **1629/1039**

(أنظر : آغا بزرك الطهراني الذريعة إلى تصانيف الشيعة 280/4 ، 179/23)

من تصانيفه :

1 – تفسير عبد الباقي التبريزي (ف)

بايزيد رقم 395 ورقة 460 ؛ أحمد ثالث 26 جزء 1-2 ورقة 310 + 252 ، 1018 هـ؛ حميديه رقم 59 ؛ داماد إبراهيم رقم 100 ؛ عموجه زاده رقم 21 ورقة 483 ؛ فيض الله أفندي رقم 75 ، ورقة 685 ؛

2 – غاية المقصد

بايزيد عمومي رقم 137/395 ورقة 460 ؛

1 EKİM 2006
MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Sayfa: 696

علي رضا قره بلوط, معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات استانبول , الجزء الثانى, İSAM 141628 [y.y.,t.y.] ,

نهج البلاغة

قال في كشف الظنون ١٩٩١ : قال ابن خلكان اختلف الناس فيه هل هو للشريف أبي القاسم علي بن طاهر المرتضى المتوفى سنة ٤٣٦هـ جمعه من كلام الإمام علي بن أبي طالب رضي الله عنه أم جمعه أخوه الشريف الرضي البغدادي . وقد قيل أنه ليس من كلام علي انتهى . قال الذهبي في ميزان الاعتدال ومن طالع كتاب نهج البلاغة جزم بأنه مكذوب على أمير المؤمنين علي رضي الله تعالى عنه فإن فيه السب الصريح على السيدين أبي بكر وعمر اهـ . خ في بروكلمان ٤ :١٣٢ وطبع في تبريز سنة ١٢٤٧هـ وطهران سنة ١٢٧١هـ وصيدا سنة ١٣٥٢هـ وبيروت سنة ١٨٨٥هـ ومصر سنة ١٩٣٤ .

***

هادي بن عبد الله آل كاشف الغطا (بروكلمان ٤ :١٣٥) .

* مختصر نهج البلاغة

طبع بغداد سنة ١٣٥٦هـ .

الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الكاظم المتوفى سنة ٤٠٦هـ (سبق) .

ـ شرح نهج البلاغة

تعليقات على كثير من الخطب فهو أول الشارحين (الذريعة ١٤ :١٤٦) .

الشريف المرتضى علي بن الحسين المتوفى سنة ٤٣٦هـ (سبق) .

ـ شرح نهج البلاغة على الخطبة الشقشقية (الذريعة ١٤ :١٤٧) .

الفاضل علي بن ناصر المعاصر للشريف الرضي (ذريعة ١٤ :١٤٠) .

ـ شرح نهج البلاغة.

فضل الله بن علي بن هبة الله الحسيني الراوندي المتوفى بعد سنة ٥٤٦هـ (الذريعة ١٤ :١٤٣) .

ـ شرح نهج البلاغة.

أحمد بن محمد الوبري المتوفى بعد سنة ٥٦٥هـ (الذريعة ١٤ :١١٥) .

ـ شرح نهج البلاغة.

علي بن أبي القاسم زيد بن محمد البيهقي المعروف بفندق المتوفى سنة ٥٦٥هـ (سبق) .

ـ المعارج شرح نهج البلاغة

(هدية العارفين ١ :٧٠٠) .

أبو الحسن محمد بن الحسين بن الحسن البيهقي الشهير بقطب الدين الكيدري المتوفى بعد سنة ٥٧٣هـ (الذريعة ١٤ :١٤٦) .

ـ شرح نهج البلاغة

خ أوقاف بغداد ٢٤٢٥٢ .

أبو الحسن سعيد بن هبة الله بن الحسن الراوندي المتوفى سنة ٥٧٣هـ (هدية العارفين ١ :٣٩٢ ، الأعلام ٣ :١٠٤) .

ـ منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة.

خ بمكتب السماوي (الذريعة ١٤ :١٢٦) .

أفضل الدين الحسن بن علي الماه آبادي المتوفى سنة ٥٨٥هـ (الذريعة ١٤ :١٢٣) .

ـ شرح نهج البلاغة.

محمد بن عمر الرازي المتوفى سنة ٦٠٦هـ (سبق) .

ـ شرح نهج البلاغة

(هدية العارفين ١ :١٠٨) .

أبو الفضل يحيى بن أبي طي حميد بن ظافر الطائي الحلبي المتوفى سنة ٦٣٠هـ (سبق) .

ـ شرح نهج البلاغة

- Nehcü'l-Belağa'da
- Şerif er-Radi
- Şerif el-Murtaza 2041
- Beyhaki Ali b. Zeyd 2041
- Kutbüddin er-Ravendi 2041
- Fahreddin er-Razi 2041
- İbn Ebi'l-Hadid 2042
- Müeyyed Yahya b. Hamza 2042
- Ali Şir Nevai 2042
- Abdülbaki et-Tebrizi 2043
- Mecdisi Muh. Taki 2044
- Muhammed Bakır Mecdisi 2044
- Nimetullah el-Cezairi 2044
- Hasan Ali Şeyh 2045

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 2040-53 İSAM 130566.

Dicle Üniversitesi
İLAHİYAT FAKÜLTESİ DERGİSİ, cilt: I
Diyarbakır - 1999, s. 1 - 30.
0.2042

ABDÜ'L-BAKİ ET-TEBRİZİ EL-MEVLEVİ VE TEFSİRİ

Prof. Dr. Abdulbaki TURAN

Abdül-Baki et-Tebrizi el-Mevlevi'nin hayatı ilmi kişiliği ve söz konusu bu tefsirinden başka eserlerinin olup olmadığı hususlarında kaynaklarda hiç bir bilgiye rastlıyamadık. Ancak onun, araştırmamız konusu olan bu tefsirini 1033/1623 tarihinde Bağdat'ta ikmâl ettiğini kendisinden öğreniyoruz.[1] Böyle değerli bir tefsiri te'lif eden bir müfessirin hayatı, ilmi, kişiliği ve eserleri hakkında kaynaklarda hiç bir bilginin bulunmayışı şayân-ı hayrettir.

Tebrizi kendi durumunu, söz konusu tefsirini nerede, nasıl ve niçin te'lif ettiğini tefsirinin mukaddimesinde ifade etmekte ve mahdut ta olsa hayatı ve ilmi kişiliği hakkında bize bazı ipuçları vermektedir. Zaten bir müfessirin tefsirini, tefsirdeki metodunu ve görüşlerini, başkalarının onun hakkındaki sözlerinden ziyade, bizzat eserini tetkik etmek ve eserindeki mukaddimesini iyi anlamakla en sağlam neticeye ulaşabiliriz. Çünkü yazarın lehinde ve aleyhinde olan kişilerin görüşleri, araştırıcıyı objektif bir sonuca ulaştırmayı engelleyebilir.[2] Bir eser sahibinin kişiliğini en güzel bir tarzda yansıtan şüphesiz ki kendi eseridir. Bu düşünceden hareketle biz de Tebrizî tefsirinin mukaddimesinin tercümesini sunmayı uygun gördük. Tebrizi tefsirinin mukaddimesinde aynen şöyle der: "Bâdema, zayıf kul, sonsuz kudret sahibi Rabbine muhtaç olan Abdülbaki et-Tebrizi el-Mevlevi der ki: Allah taalâ, gençliğimin ilk yıllarında, yıldızımın parladığı bir dönemde, herbirini asrının feridi ve zamanın vahidi olarak tavsif ettiğimde, yalan söylemiş olmadığım, kendilerini tam muhakkik ve son derece mudakkik diye övdüğümde, doğruluktan uzaklaşmış sayılamayacağım, meşhur alimlerden bazı fazıl ve kâmil zevatla beraber bulunmayı bana müyesser edince; âlet ilimlerini ve hikmetli gayeleri, Arap Dili ve Edebiyatının inceliklerini anlamak için bir müddet bu zevatın hizmetinde

[1] Abdü'l-Baki et-Tebrizi el-Mevlevi Tefsiri, Süleymaniye K. Hamidiye bölümü Yazma No:59, vrk.637a.

[2] Prof.Dr.İsmail Cerrahoğlu, İbni Kesir ve Tefsiri, A.Ü.İlahiyat Fakültesi Dergisi, C.XXV, s.49, Ankara, 1981

167692

YAZMA TEFSİR LİTERATÜRÜ

Doç. Dr. Süleyman MOLLAİBRAHİMOĞLU

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Dem. No: 167692
Tas. No: 297.2 MOL.Y

DAMLA YAYINEVİ

İSTANBUL - 2007

- Abdülbaki-i Tebrizi

06 KASIM 2007

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

86. ABDÜLBÂKÎ et-TEBRÎZÎ

(عبد الباقي التبريزي)

(ö. 1033/1624 sonrası)

TEFSİRU'T- TEBRÎZÎ

(تفسير التبريزي)

A. Müellif

Abdülbâkî et-Tebrîzî el-Mevlevî, tefsirinin önsözünde küçük yaşından itibaren devrinin tanınmış ilim adamlarından seviyeli bir eğitim aldıktan sonra arkadaş ve akranlarını geçerek belli bir düzeye ulaştığını dile getirir. Tasavvufa meylettiğini ve tasavvuf alanında Şemseddin Muhammed et-Tebrîzî'den yararlandığını, Mevlâna'nın menkıbelerinden oldukça etkilenmesi sonucunda Mevlevî tarikatına intisap ettiğini belirtir. Bunun dışında hayatı hakkında bilgi bulunamamıştır.

Doç. Dr. Süleyman Mollaibrahimoğlu
SÜLEYMANİYE KÜTÜPHANESİ'NDE BULUNAN
YAZMA TEFSİRLER
(METOT VE KAYNAKLARI)
İSTANBUL 2002, s. 415-419
DN: 86279

73. ABDULBÂKÎ et-TEBRÎZÎ

(ö. 1033/1624 sonrası)

TEFSÎRU'T-TEBRÎZÎ

A. Müellif:

Abdulbâkî et-Tebrîzî el-Mevlevî tefsirinin önsözünde belirttiğine göre, küçük yaştan itibaren devrinin tanınmış ilim adamlarından seviyeli bir eğitim aldıktan sonra arkadaş ve akranlarını geçerek belli bir düzeye ulaştığını dile getirmiştir. Tasavvufa meylettiğini ve tasavvuf alanında Şemseddin Muhammed et-Tebrîzî'den yararlandığını, bu arada Mevlâna'nın menkıbelerinden oldukça etkilenmesi sonucunda Mevlevî tarikatına intisap ettiğini belirtmiştir. Bunun dışında hayatı hakkında bilgi bulunamamıştır.

B. Tefsir:

a. Adı:

Kaynaklarda geçmeyen bu tefsirin özel bir adına rastlanmamıştır. Sadece tefsir nüshasının üzerinde metin dışında (1a) *Tefsîru't-Tebrîzî* şeklinde bir kayıt bulunmaktadır.

b. Metodu:

Orta hacimli bir dirâyet tefsiridir. Önsözünde tefsirin Sultan IV. Murat (11623-1640) döneminde tamamlandığı, Hamidiye nr. 59'da kayıtlı nüshanın sonunda ise te'lif işinin 1033/1624 yılında son bulduğu kaydedilmiştir. Önsözünde müellif, bir süre Mesnevî ile meşgul olduğunu, Mesnevî'nin Kur'ân'ın sırlarını ihtiva ettiğini ve şirki bertaraf ederek gerçek anlamda tevhid inancını ortaya koyduğunu ifade

18. asır.

ABDÜLBAKİ Tekin ŞAİR, HATTAT

Rükzar Arınas, 18. Asırda Şair Hattatlar.

12 OCAK 1994

Türkiyat T. 223

[illegible]